



بررسی تطبیقی توالی صفت/مبنای مقایسه و همبستگی آن با توالی مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی بر اساس نظریه سوی انشعاب درایر

فریناز نصیری زیبا*

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Email: farinaz_nz@yahoo.com

ندا هدایت**

(نویسنده مسئول)

استادیار زبان‌شناسی، گروه ترجمه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

Email: Neda.Hedayat@iau.ac.ir

نسیم گل آقایی***

استادیار زبان‌شناسی کاربردی، گروه آموزشی زبان انگلیسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Email: n.golaghaei@riau.ac.ir

اندیشه صنیعی****

استادیار زبان‌شناسی کاربردی، گروه آموزشی زبان انگلیسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Email: saniei@riau.ac.ir



اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

تالشی، توالی صفت/مبنای مقایسه (Adjective/Standard of Comparison)، گیلکی، نظریه سوی انشعاب درایر (Dryer's Branching Direction Theory)، همبستگی (Correlation)

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.333670.909

نصیری زیبا، فریناز، هدایت، ندا، گل آقایی، نسیم، صنیعی، اندیشه. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی توالی صفت/مبنای مقایسه و همبستگی آن با توالی مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی بر اساس نظریه سوی انشعاب درایر. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبانهای خارجی، ۱۲ (۲)، ۶۰-۷۴.

Nasiri Ziba, F., HEDAYAT, N., Golaghaei, N., Saniei, A. (2022). A Comparative Study of Adjective/Standard Order and its Correlation with Verb/Object Order in Taleshi and Gilaki Varieties Based on Dryer's Branching Direction Theory. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 60-74.

*خانم فریناز نصیری زیبا، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تحقیقاتی در زمینه بررسی تاریخی و تطبیقی زبانهای شمال غربی ایران دارند

**دکتر ندا هدایت، استادیار و دکترای زبان‌شناسی، مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین-پیشوا هستند.

***دکتر نسیم گل آقایی، استادیار و دکترای زبان‌شناسی کاربردی، مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن هستند.

****دکتر اندیشه صنیعی، استادیار و دکترای زبان‌شناسی کاربردی، مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن هستند.



A Comparative Study of Adjective/Standard Order and its Correlation with Verb/Object Order in Taleshi and Gilaki Varieties Based on Dryer's Branching Direction Theory



Farinaz Nasiri Ziba*

PhD Candidate in Linguistics, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Email: farinaz_nz@yahoo.com



Neda Hedayat**

(Corresponding author)

Assistant Professor in Linguistics, Department of English Translation, Faculty of Literature and Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

Email: Neda.Hedayat@iau.ac.ir



Nassim Golaghaei***

Assistant Professor in Applied Linguistics, ELT Department, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Email: n.golaghaei@riau.ac.ir



Andisheh Saniei****

Assistant Professor in Applied Linguistics, ELT Department, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Email: saniei@riau.ac.ir

ABSTRACT

The objective of the present study is to report a descriptive-analytic study on the probable correlation between verb/object and adjective/standard orders as well as the dominant word orders of verb/object and adjective/standard in two varieties of northwestern Iranian languages, namely Taleshi and Gilaki, and their correspondence to the Dryer's Branching Direction Theory. To this end, the dominant tendency and correlation of the aforementioned orders were examined and the results were compared on the basis of Dryer's observed patterns. The data collection was carried out through a structured interview, devised based on a questionnaire including a compilation of 60 Persian sentences and phrases that were translated into Taleshi and Gilaki during interviews with 10 elderly illiterate and semi-literate speakers respectively from Hashpar and Bandar Anzali. Based on the obtained results, Taleshi variety was proved to be an OV&StAj language. This result corresponds well with Dryers' findings confirming an obvious preference for StAdj order among OV languages and conforming to BDT. Concerning Gilaki variety, however, samples fell evenly in two groups of either StAdj or AdjSt with OV order. Therefore, there is no definite claim implying the frequent occurrence of StAdj, which can conform to BDT in this variety. It can be concluded that although both Taleshi and Gilaki belong to verb-final languages, their tendencies towards Adj/St order can be a main source of difference distinguishing these varieties. This study can provide an appropriate context for further investigation of word order in language varieties belonging to the same language families at a broad level.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.333670.909

ARTICLE INFO

Article history:

Received: November 8, 2021

Accepted: December 31, 2021

Available online: Summer 2022

Keywords:

Adjective/Standard order, Branching Direction Theory, Correlation, Gilaki, Taleshi

Nasiri Ziba, F., HEDAYAT, N., Golaghaei, N., Saniei, A. (2022). A Comparative Study of Adjective/Standard Order and its Correlation with Verb/Object Order in Taleshi and Gilaki Varieties Based on Dryer's Branching Direction Theory. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 60-74.

* Ms. Farinaz Nasiri Ziba PhD Candidate in Linguistics, Islamic Azad University, Roudehen Branch, has studies on comparative and historical evolution of Northwestern Iranian languages.

** Dr. Neda Hedayat is an Assistant Professor in Linguistics, Lecturer and Faculty Member at Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch.

*** Dr. Nassim Golaghaei, is an Assistant Professor in Applied Linguistics, Lecturer and faculty member at Islamic Azad University, Roudehen Branch.

**** Dr. Andisheh Saniei is an Assistant Professor in Applied Linguistics, Lecturer and faculty member at Islamic Azad University Roudehen Branch.

رده‌شناسی ساخت‌واژی زبانها را از نظر کلی طبقه‌بندی می‌کند نه فقط بخش‌هایی از یک زبان را.

گرینبرگ (Greenberg) در مقاله ۱۹۶۳ خود با عنوان «برخی همگانیهای دستور با تأکید ویژه بر توالی عناصر معنی‌دار»، ۳۰ زبان را مورد بررسی قرار داد که هیچ یک از زبانهای ایرانی جزو فهرست او نیست. از میان همگانی‌هایی که گرینبرگ به دست داده‌است ۲۸ مورد آنها مرتبط با ترتیب واژه و ۱۷ مورد همگانی دیگر به مقوله‌های تصریفی همچون زمان، وجه، شخص، شمار، جنس مربوط است.

دراپر (۱۹۹۱) اصطلاح فعل آغازین را برای زبانهایی به کار می‌برد که در آنها فاعل و مفعول بعد از فعل می‌آیند و اصطلاح فعل پایانی را برای زبانهایی که در آنها فعل بعد از فاعل و مفعول قرار می‌گیرد به کار می‌برد. همچنین جفت X و Y با ترتیب رخداد X قبل از Y جفت همبستگی خوانده می‌شوند $\langle X \text{ و } Y \rangle$. در این جفت همبستگی هم‌الگو با فعل (verb patterner) و Y هم‌الگو با مفعول (object patterner) بیان می‌شود. گرچه در زبانهای دارای ترتیب مفعول-فعل گرایش به استفاده از پس‌اضافه وجود دارد ولی در زبانهای دارای ترتیب فعل-مفعول گرایش به پیش‌اضافه وجود دارد. (دراپر، ۱۹۹۲).

دراپر (۱۹۹۲) ترتیب واژه را در پیکره زبانی ۶۲۵ گونه زبانی و همبستگی آنها را با ترتیب فعل/مفعول مورد بررسی قرار داده‌است. او لیست کاملی از جفت‌های همبستگی آماده کرد که قبلاً هرگز از نظر رده‌شناسی بررسی نشده بود. درایر نظریه سوی انشعاب (branching direction theory) را جایگزین نظریه هسته-وابسته (head-dependent theory) مطرح کرد. طبق نظریه سوی انشعاب، سازه‌های هم‌الگو با فعل، مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی یا واژگانی) هستند و سازه‌های هم-الگو با مفعول مقوله‌های گروهی (انشعابی) هستند. (به این معنی که جفت مؤلفه X و Y با توالی XY به طور چشمگیری در زبانهای فعل-مفعول حاکم است تا در زبانهای مفعول-فعل). بر این اساس گرایش غالب زبانهای دارای ترتیب مفعول-فعل این است که سازه گروهی را

زبان ابزاری برای بیان افکار، مفاهیم، آگاهی‌ها و اطلاعات است. به کمک زبان به عنوان وسیله ارتباطی، می‌توان به پیچیدگی‌ها رمز و رازهای آن نیز پی برد و در این راستا به شناختی از زبان دست یافت. گواه این ادعا مطالعات زبانی است که به وسیله افراد گوناگون با سابقه زبانشناختی و غیر زبان‌شناختی در سراسر دنیا انجام می‌گیرد. زبان‌شناسان به دنبال مطالعات ساختاری، نحوی، معنایی، صرفی، رده‌شناسی و ارتباط زبان با سایر علوم بوده‌اند. بی شک این مطالعات زبانی کمک شایانی به بشر در حل مسائل زبانی نموده‌است (البرزی، ۱۳۹۶).

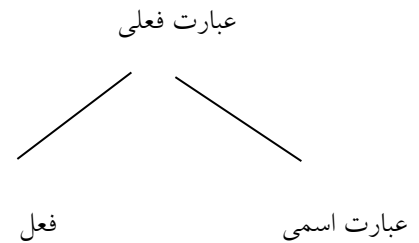
رده‌شناسی زبان به مانند طبقه‌بندی ساختاری در زبانها در حقیقت مقایسه بین زبانهاست. رده‌شناسی مطالعه الگوهایی است که به طور نظام‌مند در زبانها به کار می‌روند. الگوهای مورد نظر در تعمیم رده‌شناختی، جهانی‌های زبان هستند. توالی واژه‌ها یکی از مباحث اصلی رده‌شناسی زبان است که بر مبنای آن، زبانهای مختلف از نظر ترتیب واژه‌ها در جملات بررسی می‌شوند. زبان‌شناسان با بررسی زبانها از نظر توالی واژه‌ها به مقایسه و طبقه‌بندی آنها می‌پردازند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲).

ساپیر (Sapir) در کتابی تحت عنوان «زبان» (۱۹۲۱) دو ملاک برای رده‌بندی زبانها مطرح کرده‌است. یکی از آنها ملاک فرآیند صوری مبتنی بر شیوه ساخته شدن واژه‌ها در یک زبان و ملاک دیگر، میزان استحکام نسبی پیوند میان عناصر وندی با هسته است. به باور ساپیر ممکن است زبانی هم‌زمان ویژگیهای رده‌شناسی رده‌های مختلفی را داشته باشد ولی آنچه مهم است گرایش کلی و غالب آن است (به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲).

به عقیده کرافت (Croft) (۱۹۹۰) رده‌شناسی زبان در قرن ۱۹ با رده‌شناسی ساخت‌واژی شروع شد. از آن زمان رده‌شناسی ساخت‌گرایی از دو جنبه بسیار مهم با رده‌شناسی مدرن تفاوت داشت. رده‌شناسی ساخت‌واژی زبانها را بر اساس معیار ساخت‌واژی طبقه‌بندی می‌کند زیرا زبانهای مختلف فرآیندهای واژه‌سازی متفاوتی دارند. همچنین

پیش از سازه غیرگروهی بیاورند و این گرایش غالب، در زبانهای با ترتیب فعل-مفعول برعکس است.

مثلا در جمله فارسی «فیلم را تماشا کن» نمودار درختی گویای این مطلب است که مقوله اول «فعل» مقوله غیرگروهی یا غیرانشعابی و مقوله دوم یعنی عبارت اسمی مقوله گروهی (phrasal) یعنی انشعابی (branching) است.



آن فیلم تماشا کن

از میان ۲۴ جفت مؤلفه توالی واژه، مؤلفه چهارم یعنی توالی صفت/مبنای مقایسه در مقاله حاضر بررسی می-شود. هدف اصلی این مطالعه بررسی مقایسه‌ای توالی غالب این پارامتر در دو گونه زبانی تالشی و گیلکی و همبستگی توالی صفت/مبنای مقایسه با مفعول/فعل از نظر رده‌شناختی می‌باشد و نتایج بر اساس نظریه سوی انشعاب درایر (۱۹۹۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس به چهار سؤال تحقیق پاسخ داده می‌شود. ۱) کدام توالی غالب صفت/مبنای مقایسه در گونه‌های تالشی و گیلکی وجود دارد؟ ۲) کدام توالی غالب مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی وجود دارد؟ ۳) آیا همبستگی بین توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی وجود دارد؟ ۴) آیا تناظر یک به یک بین نتایج حاصل از نگرش رده‌شناسی درایر مطابق با نظریه سوی انشعاب وجود دارد؟

با توجه به سؤالات تحقیق، فرض می‌شود که همبستگی بین توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی وجود دارد و الگوهای توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل به آنهایی تعمیم می‌یابد که از رویکرد رده‌شناسی درایر حاصل شده باشند. علاوه بر این تناظر یک به یک بین نتایج به دست آمده از رویکرد رده‌شناسی درایر و نظریه سوی انشعاب وجود دارد. گونه-

های زبانی تالشی و گیلکی به گروه زبانهای ایرانی شمال غربی تعلق دارند که در امتداد کرانه‌های دریای خزر رواج دارند و دارای یک نیای مشترک می‌باشند. تالشی زبان مردم کشور جمهوری آذربایجان و مناطقی در نوار مرزی جنوبی دریای خزر واقع در استان گیلان است. برخی محققان گونه زبانی گیلکی را به دو گویش بیه پیش و بیه پس تقسیم می‌کنند (سبزعلیپور، ۱۳۹۱). گویش غرب استان گیلان واقع در سفید رود غربی در شهرستانهای رشت، فومن، صومعه‌سرا، بندرانزلی بیه پیش می‌باشد. و گویش شرق استان گیلان واقع در بخش شرقی سفید رود در شهرستانهای آستانه اشرفیه، لاهیجان، لنگرود، و رودبار بیه پس می‌باشد.

۲- پیشینه تحقیق

برزین (Berezin) (۱۸۵۳) یکی از شرق‌شناسانی است که در مورد گونه گیلکی مطالعاتی انجام داده است. کتاب دستور گیلکی به مدت سه سال اقامت در ایران توسط او تدوین شده است. کریستین سن (Christensen) (۱۹۳۰) دانشمند دانمارکی دانشگاه کپنهاک کتابی با عنوان گویش گیلکی رشت در سال ۱۹۹۵ توسط انتشارات سروش به چاپ رسانده است.

پورریاحی (۱۳۵۰) گویش گیلکی رشت را موضوع رساله دکتری خود قرار داده است. وی در این رساله ۶ واژه این گویش را بررسی نموده و با واژه‌های زبان فارسی مقایسه کرده است. کتاب *راهنمای زبانهای ایرانی* در نتیجه تلاش چند ساله زبان‌شناسان برجسته ایرانی توسط پروفیسور اشمیت (Schmitt) در سال ۱۹۸۹ به چاپ رسیده است. این کتاب نگرشی تاریخی به زبانها و گویشهای ایرانی از جمله گیلکی و تالشی دارد. سرتیپ پور (۱۳۶۹) در کتاب *ویژگیهای دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی* علاوه بر آواشناسی و واج‌شناسی گیلکی رشت به ساختواره و فعل نیز پرداخته است.

در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «طبقه-بندی زبان‌شناختی وندهای گیلکی رشت»، عبداللهی (۱۳۷۷) به طبقه‌بندی زبان‌شناختی وندها از نظر ساخت‌واژی و تصریفی در کنار ریشه‌ها و تغییرات حاصله از آن پرداخته

است. رضایتی کیشه خاله (۱۳۸۶) کتاب زبان تالشی توصیف گویش مرکزی را در سه بخش واج‌شناسی، ساخت‌وازی، و نحو زبان تالشی مورد بررسی قرار داده‌است. حاجت پور (۱۳۸۳) در کتابی تحت عنوان «زبان تالشی گویش خوشابر» به بررسی آواشناسی و واج‌شناسی، صرف و نحو می‌پردازد.

در دو مقاله «پیشوندهای فعلی در تالشی» در سال ۱۳۸۴ و «فعل پیشوندی در تالشی» به سال ۱۳۸۶ رفیعی جیردهی نکات قابل توجهی را در زمینه تالشی جنوبی مطرح کرده و تعداد هر یک از پیشوندهای فعلی را با جدولهایی همراه مصادر و فعلهای پیشوندی ذکر نموده است. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رده شناختی گیلکی بیه پسی بر اساس نگرش همبستگی توالی واژه در ایر» چهارسوقی امین (۱۳۹۴) گونه زبانی گیلکی را از نظر رده شناختی با زبان فارسی مقایسه کرده است. او به بررسی رده زبانی گویش گیلکی بیه پسی پرداخته است که در مقایسه با زبانهای آسیا و جهان به گروه زبانی فعل پایانی قوی تعلق دارد که در حال گذار و تغییر به سوی فعل میانی قوی می‌باشد. همچنین توالی ۲۴ گانه در ایر را در گیلکی بیه پسی بررسی کرده است که نتایج توالی صفت/ مبنای مقایسه با نتایج نگارنده مطابقت دارد.

نصیری زیبا (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تاریخی تطبیقی حرف اضافه در زبانهای ایرانی شمال غربی (تالشی-گیلکی-تاتی)» جایگاه نظام حرف اضافه‌ای در این سه گونه را بررسی کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده این سه گونه زبانی به امکان پس‌اضافه‌ای بسنده کرده‌اند. در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تاریخی تطبیقی حرف اضافه در گویش تالشی از زبانهای شمال غربی ایران»، نصیری زیبا (۱۳۹۷) نظام حرف اضافه تالشی را که داده‌های آن از شهرستانهای لوندویل و اسالم جمع‌آوری شده‌است مطالعه کرده‌است. با توجه به نتایج به دست آمده این گونه زبانی عمدتاً پس‌اضافه‌ای می‌باشد. هدایت و نصیری زیبا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تاریخی حرف اضافه در زبان گیلکی از زبانهای شمال غربی ایران» به بررسی در زمانی نظام حرف

اضافه گونه گیلکی پرداخته‌اند. گیلکی به لحاظ تاریخی به زبان پارتی وابستگی دارد که از جمله زبانهای هند و اروپایی به حساب می‌آید. بر اساس داده‌های گردآوری شده باید گفت که حرف اضافه در گیلکی به هر سه صورت پیش‌اضافه، پس‌اضافه، و پیرااضافه بوده است که البته پس-اضافه‌ها کاربرد بیشتری داشته‌اند. بنابراین می‌توان گیلکی را یک زبان پس‌اضافه‌ای نامید.

ابوئی مهرزیزی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای «به بررسی تطابق اصطلاحات زبان، گویش و لهجه در زبانهای فارسی و روسی و نمونه‌هایی از نزدیکی زبان روسی با گویشها و لهجه‌های فارسی پرداختند». در این تحقیق سعی می‌شود تا بخشی از ویژگیهای دو گونه زبانی بررسی شده و در صورت امکان، طبقه‌بندی آنها و نیز مقایسه آنها با یکدیگر صورت پذیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بازگشایی مفاهیم موجود در قالب هر یک از اصطلاحات مطرح شده از نظر زبان‌شناسان مطرح هر یک از دو زبان برای معادل‌یابی صحیح و در ادامه پایه‌ریزی طرح تحقیق در زمینه بررسی ویژگی توالی واژه صفت و مبنای مقایسه در دو گونه زبانی می‌باشد.

با وجود مطالعات متعدد در مورد گونه‌های تالشی و گیلکی، به نظر می‌رسد بررسی گسترده و دقیقی در زمینه توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در این گونه‌ها صورت نپذیرفته است. براساس اینکه در ایر ۶۲۵ زبان را مطالعه کرده و یافته‌های قابل توجهی را گزارش کرده است، مطالعه حاضر امکان مقایسه یافته‌های این پژوهش را با نتایج در ایر فراهم می‌کند.

۳- روش تحقیق

در یک مطالعه میدانی، محقق ابتدا به جمع‌آوری داده‌ها اهتمام ورزیده‌است. ابزارهای تحقیق را پرسش‌نامه و مصاحبه ساختار یافته تشکیل می‌دهند. منظور از پرسش‌ها در پرسش‌نامه، جملات و عباراتی می‌باشند که می‌بایست توسط گویشوران تالشی و گیلکی ترجمه شوند. در این راستا پژوهشگر از تکنیکهایی برای جلب رضایت و آگاهی گویشوران جهت جلوگیری از فاصله گرفتن آنها از هدف اصلی استفاده کرده است. جهت جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه

و تحلیل آنها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. محقق از روش مقایسه به منظور تعیین همبستگی توالی صفت/مبنای مقایسه و فعل/مفعول در دو گونه فوق با یافته‌های درایر استفاده کرده‌است.

شرکت‌کنندگان

داده‌های پژوهش حاضر از جملات و عبارات ترجمه شده از فارسی به گونه‌های زبانی تالشی و گیلکی توسط ۲۰ فرد سالخورده خانم و آقا (۱۰ نفر برای هر گونه زبانی) در گروه سنی ۷۰ تا ۹۰ ساله، که ساکن شهرستانهای هشتپر و بندرانزلی از استان گیلان هستند، جمع‌آوری شده‌است. گویشوران سالخورده کم سواد و یا بی‌سواد در گروه سنی فوق که زبان مادری خود را حفظ کرده بودند، جملات و عبارات فارسی پرسش‌نامه را به گونه‌های زبانی تالشی و گیلکی بازگو کردند. دلیل اصلی انتخاب این گویشوران سالخورده از طریق نمونه‌گیری هدفمند و مناسب برای مشارکت در این تحقیق، شم زبانی‌شان بود که محفوظ مانده بود. سپس جملات و عبارات ترجمه شده به گونه‌های زبانی مذکور از نظر پارامتر توالی صفت/مبنای مقایسه با توجه به نظریه رده‌شناسی درایر مورد بررسی قرار گرفتند تا علاوه بر بررسی امکان همبستگی این توالی فعل/مفعول، محرز شود که آیا رابطه بین این توالی واژه و مفعول/فعل هم‌سو با تئوری سوی انشعاب درایر می‌باشد یا خیر.

ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز این پژوهش از دو ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه ساختاریافته استفاده شده است.

پرسش‌نامه

اولین ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه استخراج شده از منابع راهنمای جمع‌آوری گویشها نسخه فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۰)، متن منتشر شده در کتاب پارشاظر (۱۹۶۹)، توصیف گویشها تألیف زمردیان (۱۳۸۶) متن کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی دبیرمقدم (۱۳۹۲)، متن کتاب توصیف گویش مرکزی زبان تالشی رضایتی کیشه خاله (۱۳۸۶)، متن کتاب زبان تاتی سبزه‌علیپور (۱۳۸۹)، کتاب زبان تالشی حاجت پور (۱۳۸۳) و پرسش‌نامه تهیه شده توسط هدایت (۱۳۹۱ الف) بود. با توجه به اینکه

اعتبار و پایایی یک پرسش‌نامه بر ارتباط صریح آن با هدف انجام پژوهش متمرکز است، پرسش‌نامه حاضر به اندازه کافی ملموس و مرتبط با هدف از انجام پژوهش است تا پاسخ‌های به دست آمده هم‌راستا با هدف تحقیق باشد. به عبارت دیگر در این پژوهش، سؤالات پرسش‌نامه شامل دو توالی واژه مفعول/فعل و صفت/مبنای مقایسه است که به طور مستقیم مصاحبه‌شوندگان را برمی‌انگیزد تا پاسخ‌هایی حاوی همان مؤلفه‌های ترتیب واژه را در راستای این پژوهش تولید کنند. متداول‌ترین جملات و عبارات منطبق با هدف پژوهش از منابع مذکور جمع‌آوری شده است تا ویژگیهای رده‌شناختی توالی صفت/مبنای مقایسه در گونه‌های زبانی تالشی و گیلکی را مشخص کند. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ جمله و ۳۰ عبارت فارسی استخراج شده از منابع مذکور بود که به گونه‌های زبانی فوق ترجمه شدند تا در مورد توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل بیشتر مورد بررسی قرار گیرند. آنگاه داده‌های حاصل از پیکره زبانی گونه‌های فوق ثبت و ضبط شدند.

مصاحبه

اساس پژوهش حاضر مصاحبه‌های ساختار یافته با گویشوران سالخورده در رده سنی ۷۰ تا ۹۰ ساله بود. سؤالات مصاحبه شامل دو بخش جمله و عبارت برگرفته از پرسش‌نامه بودند، هر یک شامل ۳۰ عبارت برای بررسی توالی صفت/مبنای مقایسه و ۳۰ جمله برای بررسی مفعول/فعل می‌شد. با توجه به اینکه محقق گویشور هیچ یک از گونه‌های زبانی فوق الذکر نمی‌باشد لذا افراد تحصیلکرده (یک نفر برای هر گونه زبانی) با دانش کافی در مورد معانی واژه‌ها و نقش دستوری واژگان انتخاب شدند تا در امر بازگردان و آوانگاری جملات و عبارات به محقق کمک رسانند. هر مصاحبه تقریباً ۴ ساعت به طول انجامید و تمامی مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر ضبط گردید تا برای تجزیه و تحلیل بیشتر از نظر توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل مورد بررسی قرار گیرد.

جمع‌آوری داده‌ها

در راستای جمع‌آوری داده‌ها، گویشوران تحصیلکرده هر گونه زبانی در حضور محقق به گویشوران سالخورده کمک می‌کردند تا نمونه‌های پرسش‌نامه را به گونه مورد نظر

ترجمه کنند. در طول این فرآیند پژوهشگر و فرد تحصیلکرده به تولید ترجمه توسط گویشوران سالخورده گوش فراداده و پژوهشگر کلیه مکالمات مصاحبه را ضبط می‌کرد. سپس جملات و عبارات مکالمات ثبت شدند و بر اساس الفبای بین‌المللی آوایی نوشته شدند. همچنین کلیه ۶۰ جمله و عبارات به زبان انگلیسی نیز ترجمه شدند.

طرح تحقیق

محقق با کاربرد روش مختلط، از نوع کمی و کیفی، در یک مطالعه میدانی پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های غیرعددی که از طریق آوانگاری مصاحبه‌های ضبط شده به دست آمد، مبادرت به تعیین فراوانی، درصد فراوانی و بسامد رخداد توالی واژه‌های صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل و ارائه آمار توصیفی کرده‌است. علاوه بر این، گویشوران شرکت‌کننده تحت تأثیر هیچ‌گونه رفتار مداخله‌ای از سوی محقق نبوده‌اند و فقط در محل زندگی خود توسط پژوهشگر همراهی می‌شدند و پژوهشگر فقط به صحبتها و پاسخ‌های گویشوران گوش داده و ثبت و ضبط می‌کرد. به این ترتیب در یک مطالعه توصیفی، تفاوتها و تشابهات به روش مقایسه‌ای از پیکره نمونه‌های زبانی تالشی و گیلکی در باب توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل استخراج شده‌است.

تجزیه تحلیل داده‌ها

معیار تحلیل داده‌ها بر اساس نگرش درایر، ۲۴ پارامتر توالی واژه می‌باشد. در پژوهش پیش رو توالی صفت/مبنای مقایسه با توجه به امکان همبستگی آن با مفعول/فعل مورد بررسی قرار گرفته‌است. به همین منظور، در کل ۶۰ نمونه

شامل جملات و عبارات استخراج شده از مصاحبه توسط گویشوران سالخورده ضبط و ثبت شدند و منطبق بر الفبای آوانگاری بین‌المللی از دو گونه مورد بحث آوانگاری گردیدند. پس از آن گرایش غالب توالی واژه مربوط به هر پارامتر تعیین شد. در جهت تعیین تعداد غالب هر توالی واژه در هر یک از گونه‌های تالشی و گیلکی تعداد توالی‌های غالب از پیکره زبانی گونه‌های زبانی به طور جداگانه شمارش شدند. به منظور مقایسه بسامد رخداد گرایش‌های توالی واژه‌ها، نسبت تعداد جفت توالی واژه غالب به تعداد کل توالی واژه‌ها بر حسب درصد محاسبه شدند. به عنوان مثال از ۳۰ مورد نمونه توالی واژه در کل، ۲۷ مورد دارای توالی واژه غالب هستند بنابراین حاصل نسبت تعداد توالی واژه‌های غالب به تعداد کل توالی واژه‌ها ۹۰٪ خواهد بود. به همین ترتیب دو گونه زبانی از نظر گرایش غالب و امکان همبستگی توالی واژه با مفعول/فعل مورد بررسی، تحلیل، توصیف و مقایسه قرار گرفتند تا بتوان به تفاوتها و تشابهات رده‌شناختی دو گونه زبانی فوق دست یافت. در پایان همبستگی توالی واژه‌ها بر اساس نظریه سوی انشعاب درایر نیز مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نمونه‌ها

توالی مفعول/فعل در گونه تالشی

با توجه به مثالهای زیر گونه تالشی گرایش زیادی به ترتیب مفعول-فعل دارد. در همه ۳۰ نمونه جملات گونه تالشی مفعول قبل از فعل می‌آید. مثلا در مثال ۲ « namaš = نامه » مفعول قبل از فعل « آورد = vard-a » آمده است. این الگو برای همه نمونه‌های دیگر نیز صادق است.

جدول ۱: توالی مفعول/فعل در گونه تالشی

| فعل - مفعول | مفعول - فعل |
|-------------|-------------|
| 0 | ۳۰ (۱۰۰٪) |

من - مفعول مستقم - کتاب

حالت غیر فاعلی - مریم

گذشته (فعل) - داد

«مریم کتاب را به من داد»

1. Maryam-I
du-a

kitiob

men-aš

2. postči nama-š vard-a

گذشته (فعل)-آورد مفعول مستقیم-نامه پستیچی

«پستیچی نامه را آورد»

3. a kitob me-š du-a

گذشته (فعل)-داد به-من مفعول مستقیم-کتاب او
ش ۳ م

«او کتاب را به من داد»

4- pišigi peni hard-a

(فعل)-خورد مفعول مستقیم-پنیر گربه
ش ۳ م-گذشته

«گربه پنیر را خورد»

5. əš zua rom mâšin
vigat-e

مفعول مستقیم-ماشین برای پسر من (ملکی)
ش ۳ م-گذشته (فعل)-خرید

«برای پسر من ماشین خریدم»

توالی صفت/مبنای مقایسه در گونه تالشی و همبستگی آن
با توالی مفعول/فعل

گرینبرگ در مقاله ۱۹۶۹ به موضوع صفت و به ویژه صفت عالی توجه کرده است. در جمله «X از Y بزرگتر» است عناصر سه گانه صفت، نشانگر مقایسه، و مبنای مقایسه مورد توجه قرار گرفته است. درایر در مقاله ۱۹۹۲ موقعیت نشانگر مقایسه را نادیده گرفته و توجه خود را به ترتیب صفت و مبنای مقایسه محدود کرده است. او ترجیحاً به ترتیب مبنای مقایسه-صفت در بین زبانهای مفعول-فعل رسیده و معتقد است هر جا که این موقعیت رخ دهد می توان جفت همبستگی صفت و مبنای مقایسه را نتیجه-گیری کرد.

نمونه های گونه تالشی ترجیحاً توالی مبنای مقایسه-صفت و مفعول-فعل را نشان می دهد که با همگانیهای درایر مطابقت دارد. در واقع توالی مبنای مقایسه-صفت، نظام پس اضافه ای، و توالی مفعول-فعل در همه ۳۰ مورد مثال های گونه تالشی وجود دارد. در مثالهای ۷ و ۸ وند «tar» به معنی «تر» به کار رفته ولی در مثالهای ۶، ۹ و ۱۰ وند «tar» استفاده نشده است و «ko» در همه موارد نشانگر مقایسه و به معنی «از» است.

جدول ۲: توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در گونه تالشی

| مفعول-فعل | فعل-مفعول |
|-----------|-----------|
| ۳۰ (۱۰۰٪) | ۰ |
| ۰ | ۰ |

«کوتاهتر از ما»

9. mə ko čaq

چاق تر از من

«چاق تر از من»

10. ama ko lar

لاغرتر از ما

«لاغرتر از ما»

6. Mryam ko yol

بزرگتر از مریم

«بزرگتر از مریم»

7. tə ko bəland-tar

تر-بلند از شما

«بلندتر از شما»

8. ama ko kəto-tar

تر-کوتاه از ما

توالی مفعول/فعل در گونه گیلکی

گونه زبانی گیلکی گرایش زیادی به ترتیب مفعول-فعل دارد. در مثال ۱۱ «ketaba=کتاب» که مفعول جمله است قبل از فعل

«fa-da=داد» آمده است. این توالی در همه ۳۰ مورد مثال وجود دارد.

جدول ۳: توالی مفعول/فعل در گونه گیلکی

| مفعول-فعل | فعل-مفعول |
|-----------|-----------|
| ۳۰ (۱۰۰٪) | ۰ |

«گره پنیر را خورد»

15. mi pəsər-e-rən mâšin
bi-he-m

مفعول - حالت غیر فاعلی-پسر من
اش م-خرید-گذشته(فعل) ماشین برای

«من برای پسر ماشین خریدم»

توالی صفت/ مبنای مقایسه در گونه گیلکی و همبستگی آن با توالی مفعول/فعل

همان طوری که قبلاً اشاره شد، در این مقاله ۱۹۹۲ ترجیحاً به توالی مبنای مقایسه-صفت در زبانهای مفعول-فعل رسیده است. نمونه‌های گونه گیلکی هر دو توالی مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه را نشان می‌دهند که می‌توان به ترتیب در مثالهای ۱۶ و ۱۷ مشاهده کرد. در واقع با توجه به جدول شماره ۲ در تمام ۳۰ نمونه گونه گیلکی به طور مساوی هر دو توالی مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه به چشم می‌خورد. در این مثالها وند 'tər' به معنی «تر» است، «az» و «jā» نشانگرها و به معنی «از» می‌باشند.

جدول ۴: توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در گونه گیلکی

| مفعول-فعل | فعل-مفعول |
|-----------|-----------|
| ۱۵ (۵۰٪) | ۰ |
| ۱۵ (۵۰٪) | ۰ |

مريم از بزرگتر

11. Məryem ketab-a
məra fa-da

مفعول - حالت غیر فاعلی-کتاب مريم
گذشته(فعل)-داد مرا مستقیم
«مريم کتاب را به من داد»

12. postči nâme-a
bâvər-d

مفعول - حالت غیر فاعلی-نامه پستچی
گذشته(فعل)-آورد مستقیم

«پستچی نامه را آورد»

13. own ketâb-a me-ra
fa-da

مرا مفعول مستقیم-حالت غیر فاعلی-کتاب او
به گذشته(فعل)-داد
«او کتاب را به من داد»

14. piča pənir-a
bow-xowr-d

مفعول مستقیم-حالت غیر فاعلی-پنیر گره
گذشته (فعل)-خورد-گذشته

16. pilətər az məryem

«بزرگتر از مریم»

17. oušan ja koučētər

کوچکتر از آنها

«کوچکتر از آنها»

18. šome ja bolənd-tər

تر-بلند از شما

«بلندتر از شما»

19. ame ja koutāh-tər

تر-کوتاه از ما

«کوتاه تر از ما»

20. mi ja čq-tər

تر-چاق از من

«چاق تر از من»

مقایسه دو گونه تالشی و گیلکی از نظر همبستگی بین

توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل

با توجه به جدول ۵ توالی مبنای مقایسه-صفت و مفعول-فعل در هر دو گونه وجود دارد که به طور چشمگیری در گونه تالشی بیشتر است. این گونه در همه موارد مبنای مقایسه را قبل از صفت نشان می‌دهد در صورتی که در گونه گیلکی دو نوع توالی به نسبت مساوی به چشم می‌خورد یعنی مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه.

جدول ۵: توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در

گونه‌های تالشی و گیلکی

| گیلکی | تالشی |
|----------|-----------|
| ۱۵ (۵۰٪) | ۰ |
| ۱۵ (۵۰٪) | ۳۰ (۱۰۰٪) |

سوی یکی از این دو وضعیت را از خود نشان می‌دهند. زبانهای راست انشعابی، که در آنها مقوله‌های گروهی (انشعابی) بعد از مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی) می‌آیند و زبانهای چپ انشعابی، در این زبانها مقوله‌های گروهی (انشعابی) پیش از مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی) ظاهر می‌شود (درایر ۱۹۹۲).

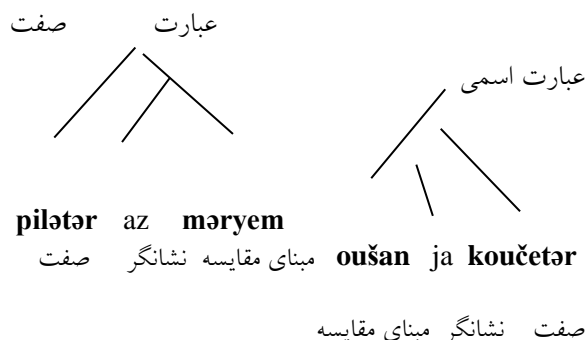
در گونه گیلکی دو مورد مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه وجود دارد. مطابق نظریه درایر در این جفت سازه، صفت هم‌الگو با فعل یعنی غیرانشعابی و مبنای مقایسه هم‌الگو با مفعول یعنی انشعابی است. در عبارت "oušan ja koučētər" به عنوان توالی مبنای مقایسه-صفت اولین سازه "oušan" به معنی «آنها» مقوله

بررسی نظریه سوی انشعاب در گونه‌های تالشی و گیلکی

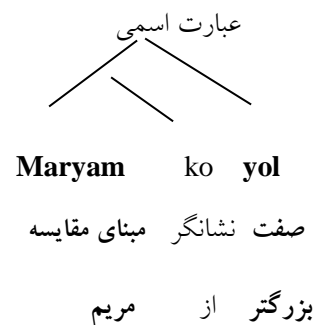
(مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه)

در این نظریه «فعل» یک مقوله غیرگروهی و یا غیرانشعابی و «مفعول» یک مقوله گروهی یا انشعابی می‌باشد. ماهیت نظریه سوی انشعاب اجزاهای هم‌الگو با فعل را مقوله‌های غیرگروهی یا غیرانشعابی تعیین می‌کند، همچنین اجزاهای هم‌الگو با مفعول را مقوله‌های گروهی یا انشعابی معرفی می‌کند. بر این اساس ترتیب غالب زبانها با توالی مفعول-فعل این است که سازه گروهی را پیش از سازه غیرگروهی بیاورند و این گرایش غالب در زبانهای با توالی فعل-مفعول برعکس است. طبق نظریه سوی انشعاب، زبانها تمایل به

گروهی یا انشعابی است. از سوی دیگر در توالی صفت-مبنای مقایسه در عبارت "pilətər az məryem" اولین سازه "pilətər" که صفت است و تنها یک کلمه است متعلق به مقوله غیرگروهی و یا غیرانشعابی می‌باشد.



در گونه تالشی با توجه به آنکه توالی مبنای مقایسه-صفت غالب است، در عبارت "Maryam ko yol" که در آن "Maryam" مبنای مقایسه است متعلق به مقوله گروهی و "yol" صفت است و متعلق به مقوله غیرگروهی (غیرانشعابی) می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت توالی صفت-مبنای مقایسه راست انشعابی و مبنای مقایسه-صفت چپ انشعابی هستند.



۴- نتایج و بحث و بررسی

در پژوهش حاضر ترتیب صفت/مبنای مقایسه در گونه تالشی و گیلکی از نظر نگرش رده‌شناختی درایر مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، محقق به دنبال پاسخ به چهار سؤال بوده‌است. (۱) کدام توالی غالب صفت/مبنای مقایسه در گونه تالشی و گیلکی وجود دارد؛ (۲) کدام توالی غالب مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی وجود دارد؛ (۳) آیا همبستگی بین توالی صفت/مبنای مقایسه و مفعول/فعل در گونه‌های تالشی و گیلکی وجود دارد؛ (۴) آیا تناظر یک به یک بین نتایج حاصل از نگرش رده‌شناسی درایر مطابق با

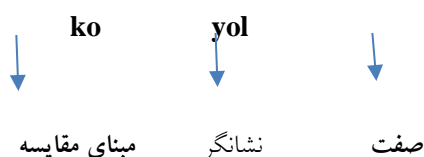
تئوری سوی انشعاب وجود دارد؟ فرض بر این است که توالی صفت/مبنای مقایسه موقعیت عناصر را در اجزای مختلف یک جمله مشخص می‌کند. با توجه به همگانیهای رده‌شناسی درایر توالی مفعول/فعل در گونه تالشی همبستگی قوی و با مبنای مقایسه-صفت دارد و در گونه گیلکی تا حدی همبستگی دارد.

ترتیب غالب مفعول و فعل در همه جملات گونه‌های تالشی و گیلکی به صورت مفعول-فعل می‌باشد. بنابراین این گونه‌های زبانی متعلق به خانواده زبانهای فعل پایانی با توالی مفعول-فعل می‌باشند. این توالی واژه غالب قبلاً توسط درایر (۱۹۹۲) تعیین شده است. او معتقد است زبانهای هندوایرانی و هندواروپایی ترتیب مفعول-فعل دارند و از این منظر فعل پایانی محسوب می‌شوند.

مقایسه گونه‌های زبانی تالشی و گیلکی از نظر صفت و مبنای مقایسه نشان می‌دهد که گونه تالشی به طور قابل توجهی دارای توالی مبنای مقایسه-صفت و مفعول-فعل است. در مثال گونه تالشی "Maryam ko yol" که در آن "Maryam"، "ko" و "yol" به ترتیب مبنای مقایسه، نشانگر و صفت هستند. این نتیجه به خوبی با یافته‌های درایر مطابقت دارد و همچنین بررسی دبیرمقدم در گونه تالشی گواه این توالی واژه مبنای مقایسه-صفت در زبانهای با توالی مفعول-فعل می‌باشد. ولی گونه گیلکی هر دو توالی مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه را به نسبت مساوی نشان می‌دهد. در مثال گیلکی "pilətər az məryem" و "oušan ja koučətər" کلمات جمله اول "pilətər"، "az" و "məryem" به ترتیب صفت، نشانگر، و مبنای مقایسه می‌باشند و در حالیکه "oušan" "ja" و "koučətər" در جمله دوم به ترتیب مبنای مقایسه، نشانگر و صفت را تأیید می‌کنند.

نتایج در نمودار زیر نشان داده شده‌است.

Maryam گونه تالشی:



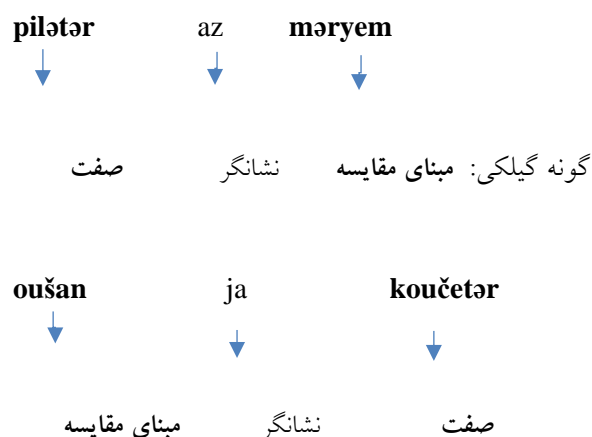
مردم به حساب می‌آید، توصیه می‌شود آموزشهای اختیاری در باب گویشهای محلی نادر در شمال ایران در برنامه درسی دانشجویان دانشگاه گیلان گنجانده شود تا مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد و در دراز مدت این گونه‌ها بررسی گردیده و همچون سندی برای آیندگان حفظ شوند.

از دیدگاه اجتماعی به نظر می‌رسد بررسی تغییرات زبانی در شهرها و روستاها راه حل ممکن باشد. دلیل اصلی توجیه این امر برآورد میزان و تفاوت بین ساختارهای غالب در این دو مکان است. از اقدامات احتمالی دیگر بررسی امکان همبستگی میان مفعول/فعل با دیگر پارامترهای رده‌شناختی از قبیل مضاف/مضاف‌الیه، قید مقدار/فعل، و توالی هسته اسمی و بند موصولی است.

۶- پیشنهادهایی برای پژوهش بیشتر

درایر با بررسی ویژگیهای رده‌شناسی ۶۲۵ زبان از خانواده‌های زبانی متفاوت مبتنی بر همگانیهای زبانی چهارچوب‌های نظری همگانیهای زبان و رده‌شناسی را مطرح کرده است که می‌توان از زبان‌شناسانی همچون گرینبرگ و هاکنیز که در این راستا مطالعات قابل توجهی را به ثمر رسانده‌اند یاد کرد. نگرش‌های مختلف رده‌شناسی هنوز هم بستر مناسبی برای تعیین رده و خانواده زبانی گونه‌های زبانی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر مطالعات آتی می‌تواند در پیکره گسترده‌ای از گونه‌های زبانی با چهارچوب‌های مختلف رده‌شناسی صورت گیرد.

پژوهش انجام شده زمینه مناسبی را برای بررسی و تحقیق بیشتر در زمینه مطالعات تطبیقی در سطح گسترده‌ای از توالی واژه را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان با انتخاب گروه‌های زبانی بزرگتر و فراهم ساختن یک پیکره زبانی وسیع به بررسی سایر ویژگی‌های رده‌شناسی از قبیل توالی واژه در خصوص سایر مؤلفه‌های ۲۴ گانه درایر برای یافتن تفاوت‌ها و شباهتهای زبان‌ها و همچنین تخصیص هر یک از آنها به یک رده و خانواده زبانی خاص اقدام نمود. به علاوه بررسی تاریخی و درزمانی زبانها در سطوح متفاوت می‌تواند در به رسمیت شناختن رده گونه‌های زبانی کارساز باشد. به عبارت دیگر، زبان‌شناسان و محققان قادر خواهند بود با تکیه بر



اگر چه هیچ ادعای قطعی بر بسامد رخداد توالی مبنای مقایسه-صفت با مفعول-فعل در گونه گیلکی حاصل نشد، چهارسوقی امین(۱۳۹۴) به توالی مبنای مقایسه-صفت و مفعول-فعل در گونه گیلکی رسیده‌است. بر طبق نتایج مطالعات درایر، صفت و مبنای مقایسه جفت همبستگی محسوب می‌شوند. درایر معتقد است زبانهای مفعول-فعل توالی مبنای مقایسه-صفت دارند و زبانهای فعل-مفعول دارای صفت-مبنای مقایسه می‌باشند و البته مورد اخیر بیشتر رایج است. گونه تالشی با ساختار مبنای مقایسه-صفت قویاً با نظریه سوی انشعاب درایر مطابقت دارد ولی با وجود رخداد دو توالی مبنای مقایسه-صفت و صفت-مبنای مقایسه به طور یکسان در گونه گیلکی مشکل بتوان گفت که با نظریه سوی انشعاب درایر مطابقت دارد.

۵- نتیجه گیری

در مطالعه حاضر بررسی تطبیقی توالی صفت/مبنای مقایسه در دو گونه زبانی تالشی و گیلکی، از زبانهای شمال غربی ایران، و امکان همبستگی بین این پارامتر و توالی مفعول/فعل بر اساس تئوری سوی انشعاب درایر (۱۹۹۲) مورد نظر قرار گرفت. با توجه به روند مقایسه این دو گونه زبانی مشخص شد که گرایش زیادی برای توالی مفعول/فعل وجود دارد. گرچه این گونه‌های زبانی که دارای یک نیای مشترک هستند کماکان ساختار اصلی خود را حفظ کرده‌اند اما تفاوت آشکاری از نظر توالی صفت و مبنای مقایسه نشان می‌دهند. گویشوران گونه‌های تالشی و گیلکی غالباً در کرانه‌های حاشیه دریای خزر سکنی دارند. از آنجایی که زبان به عنوان یک نظام پویا و وسیله ارتباطی بین

خصوصیات زبانی و الگوهای توالی واژه، در جهت تجدید حیات گونه‌های زبانی گام بردارند.

منابع فارسی

ابوئی مهریزی، محسن، مداینی اول، علی، ولی پور، علیرضا (۱۳۹۹). بررسی تطابق اصطلاحات زبان، گویش و لهجه در زبانهای فارسی و روسی و نمونه‌هایی از نزدیکی زبان روسی با گویشها و لهجه‌های فارسی، پژوهشهای زبان-شناختی در زبانهای خارجی، ۳/۱۰، ۴۸۳-۴۷۰.

اشمیت، رودیگر (۱۳۸۲/۱۹۸۹). راهنمای زبانهای ایرانی. تهران: ققنوس

البرزی، پرویز (۱۳۹۵). زبان شناسی جمله: نگاهی جامع به مسائل زبان. تهران: دانشگاه تهران.

پورریاحی، مسعود (۱۳۵۳). بررسی دستور گویش گیلکی رشت (رساله دکتری). تهران: دانشگاه تهران.

چهارسوقی امین، تینا (۱۳۹۴). بررسی رده‌شناسی زبان گیلکی بیه پسی بر اساس مؤلفه‌های بیست و چهار گانه درایر، فصلنامه ادبیات و زبانهای محلی ایران زمین، ۳/ ۱، ۲۹-۵۶ پاییز ۱۳۹۴

حاجت پور، حمید (۱۳۸۳). زبان تالشی گویش خوشابیر. رشت: گیلکان.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبانهای ایرانی. تهران: سمت.

راهنمای گردآوری گویشها برای گنجینه گویشهای ایرانی، (۱۳۸۹). فرهنگستان زبان و ادب فارسی گروه زبانها و گویشهای ایرانی.

رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۲). چند نکته دستوری. گویش شناسی (ضمیمه نامه فرهنگستان). ۱/۱، ۵۲-۴۱

رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۶). زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی). رشت: ایلیا.

زمردیان، رضا (۱۳۸۶). راهنمای گردآوری و توصیف گویشها. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد

سبزعلیپور، جهان دوست (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویشهای تاتی-تالشی-گیلکی. رشت: دانشگاه گیلان.

سرتیپ پور، جهانگیر (۱۳۶۹). ویژگیهای دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی. رشت: گیلکان.

نصیری زیبا، فریناز (۱۳۹۵). بررسی تاریخی-تطبیقی حرف اضافه در زبانهای ایرانی شمال غربی (تاتی-تالشی-گیلکی) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور مرکز ورامین.

نصیری زیبا، فریناز و هدایت، ندا (۱۳۹۷). بررسی تاریخی حرف اضافه در زبان گیلکی از زبانهای شمال غربی ایران. نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی. تهران: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی. ۴۴۴-۴۲۳. اسفند ۱۳۹۷.

هدایت، ندا (۱۳۹۱). پرسش‌نامه تهیه شده توسط هدایت بر اساس مثالهای کتاب یارشاطر (۱۹۶۹)

منابع خارجی

Berezin, J.-N. (1853). Recherches sur les dialectes persans [Research on Persian dialects]. Imprimerie de l'université.

Christensen, A. (1930). Contributions à la dialectologie iranienne [Contributions to Iranian dialectology] (Vol. 1): Hovedkommissionær: Andr. Fred. Høst & søn.

Croft, W. (1990). *Typology and universals* (1st ed.). Cambridge University Press.

Dryer, M. S. (1991). SVO languages and the OV: VO typology. *Journal of Linguistics*, 27(2), 443-482.

Dryer, M. S. (1992). The Greenbergian word order correlations. *Language*, 68(1), 81-138.

Greenberg, J. H. (1963). Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements. *Universals of Language*, 2, 73-113.

Nasiri Ziba, F. (2018). A comparative historical survey of adposition of Talysh dialect. Paper

presented at the 5th International Conference on Applied Linguistics Issues (ALI 2018), Istanbul, Turkey.

Sapir, E. (1921). Language. Hartcourt, Brace, & World.

Schmitt, R. (1989). Compendium linguarum iranicarum: Reichert.

| نشانه | مفهوم | نشانه | آوا |
|-------|-----------------------------------|-----------|-------------|
| R | ر | Consonant | |
| M | م | P | پ |
| N | ن | B | ب |
| L | ل | T | ت |
| Y | ی | D | د |
| | Vowel (واکه) | K | ک |
| I | ای | G | گ |
| E | ا، -، ه | Q | ق، غ |
| A | آ، -، ه | ? | ع، ء (همزه) |
| ə | در انگلیسی اولین واکه واژده about | F | ف |
| O | ا، -، و | V | و |
| ō | ا، (کشیده) | S | س، ث، ص |
| â- ā | ا، آ | Z | ز، ذ، ض، ظ |
| U | او، و | š | ش |
| ū | او (کشیده) | ž | ژ |
| ây | ای | X | خ |
| Oy | در انگلیسی boy (پسر) | H | ه، ح |
| Ay | ای | č | چ |
| Ey | ای | J | ج |

s, 2(1).